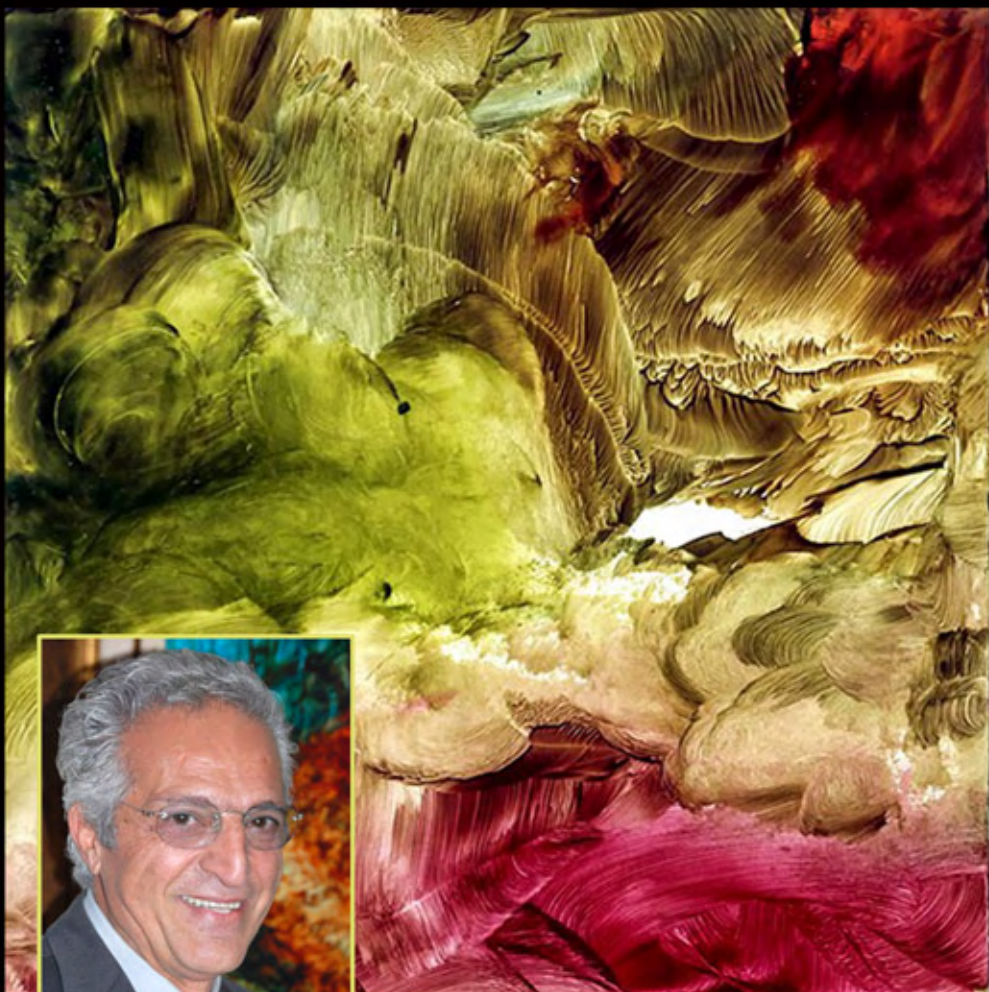




نشر روزین

# رقص رنگ و شعر:

نگاهی به آثار کامران خاورانی  
بانی سبک رمانتیسیم انتزاعی



نشر الکترونیک روزین ۱۳۹۰

# رقص رنگ و شعر

نگاهی به آثار کامران خاورانی

بانی سبک رمانتیسیم انتزاعی



نشر الکترونیک روزین

۱۳۹۰





نشر الکترونیک روزین ۱۳۹۰

---

رقص رنگ و شعر: نگاهی به آثار کامران خاورانی بانی سبک رمانتیسیم انتزاعی

طرح جلد: کاری از کامران خاورانی

چاپ نخست: بهار ۱۳۹۰

ناشر: نشر الکترونیک روزین

---



## مقدمه

کامران خاورانی، نقاش و آرشیتکت ایرانی مقیم کالیفرنیا، سبک نوینی در هنر نقاشی پدید آورده که آلبرت بوئیمی، استاد پیشین تاریخ هنر در دانشگاه لس آنجلس، با پیشینهٔ چهل سال تدریس و انتشار چندین کتاب و مقاله در زمینهٔ تاریخ هنر، آن را «آبسترکت رومانتیسم» نام داده و گفته است که هنر خاورانی، خلق تابلوهایی است که بیننده، حتی عناصر اصلی سوژه های ناتمام او را می تواند لمس و باور کند.

پروفسور بوئیمی که چندی پیش در لس آنجلس درگذشت، آخرین کتاب خود را با نام «تولد آبسترکت رومانتیسم» در مورد سبک نوین نقاشی خاورانی منتشر کرد. اخیرا هم، کنگرهٔ آمریکا با اهدای تقدیرنامه ای، از این هنرمند ایرانی تجلیل کرده است.

کامران خاورانی یکی از ده‌ها کاندیدایی است که موفق به گرفتن مدال «الیس آیلند» در ماه مه ۲۰۱۱ در آمریکا شد. این مدال به خاطر پرداخت تازه‌ای از طرح مدال «الیس آیلند» به او تعلق گرفت. علاوه بر این کتابخانه‌ی کنگره‌ی آمریکا تابلویی از او به نام «پرنده‌ی آزادی» را پذیرفت.

کامران خاورانی طراح مدال تازه‌ی الیس آیلند و یکی از برندگان این مدال در سال ۲۰۱۱ است. او در این باره می‌گوید: «این مدال نشانه‌ی ۵۰ ایالت آمریکاست و به قصد قدردانی از همه‌ی کسانی که به امید آزادی، از سراسر جهان راهی آمریکا می‌شدند و به الیس آیلند می‌آمدند، به چهره‌های شاخص فرهنگی، هنری و علمی در میان مهاجران اهداء می‌گردد. در طرحی که برای این مدال در نظر گرفته‌ام، دستی باز می‌شود مثل روبان، می‌گوید آزادی، آزادی کجایی؟ این مهاجران به الیس آیلند

وارد می‌شوند و از اینجا در یک جامعه‌ی چندفرهنگی میان انسان‌های دیگر، از هر رنگ و نژاد و قوم ادغام می‌گردند. آنها اکنون وارد آمریکا شده‌اند

اما این مدال فقط به دلیل طراحی مدال ایس‌آیلند به خاورانی تعلق نگرفت. او آثار ماندگاری هم آفریده که در تاریخ هنر از او به جای می‌ماند. ۱۸ اکتبر پرفسور «آلبرت بوئیمی (Albert Boime) استاد دانشگاه کالیفرنیا پس از ۳۰ سال تدریس و نوشتن ۲۶ کتاب در زمینه‌ی تاریخ هنر درگذشت. آخرین اثر بوئیمی پیش از مرگش کتابی‌ست به نام «تولد ابسترک رومانتی‌سیزم، هنر برای انسانیت نوین، رومی و نقاشی‌های کامران خاورانی». پرفسور بوئیمی معمولاً بر روی آثار نقاشی قرن نوزدهم اروپا کار می‌کرد. آشنایی او با کامران خاورانی، او را به دنیای مولانا که در قرن سیزدهم می‌زیست نزدیک کرد.





### آبسترک رمانتی سیزم یا صورت بی صورت

بوئیمی معتقد بود که بسیار اهمیت دارد که بتوان رویدادهای فرهنگی و تاریخی را از زاویه‌ی دیگری نگریست. او بر این باور بود که کامران خاورانی سبک نوینی به تاریخ نقاشی افزوده است. نقاشی‌های خاورانی با الهام گرفتن از «عشق» در اشعار مولانا دارای رنگ‌هایی به غایت شعفانگیز است. شاید بتوان سه عنصر «رنگ»، «شیفتگی» و «شدت» را در آثار او باز یافت.



در آثار خاورانی آمیختگی رنگ‌ها، مرز میان آسمان و زمین را با شدت درمی‌نوردد و به این ترتیب به روح غزلیات مولانا نزدیک می‌شود و شعفی در انسان ایجاد می‌کند. از این امر به‌عنوان مهم‌ترین علت کشش بیننده به آثار او یاد می‌کنند .

با اینکه خاورانی در آثارش عناصری مانند آسمان، درخت، خورشید و در نهایت طبیعت را به تصویر می‌کشد، اما در آثار او آمیختگی رنگ‌ها، مرز میان آسمان و زمین را با شدت درمی‌نوردد و به این ترتیب به روح غزلیات مولانا نزدیک می‌شود و شعفی در انسان ایجاد می‌کند. از این امر به‌عنوان مهم‌ترین علت کشش بیننده به آثار خاورانی یاد می‌کنند.

کامران خاورانی که در رشته‌ی معماری هم تحصیل کرده است، درباره‌ی این سبک می‌گوید: «آبسترک یعنی اثر قصه ندارد، تصویر ندارد، شکل ندارد. آبسترک یعنی انتزاعی و یا مجرد. یعنی اثر به چیزی وصل نیست. رمان یعنی قصه. پس رمانتی‌سیزم یعنی چیزی که قصه دارد، تصویر یا شکل دارد. آبسترک هم که یعنی شکل ندارد. پس این دو، آبسترک و رومانتی‌سیزم در تضاد با هم هستند. ضد هم هستند، با یکدیگر متناقض‌اند.

در غزلی مولانا می‌گوید:

ای قوم به هجر رفته کجایید کجایید

معشوق همین جاست بیایید بیایید

ده بار از آن راه بدان خانه برفتید

یک‌بار از این خانه براین بام برآیید

آن خانه لطیف است نشانه‌اش بگفتید

از خواجه‌ی آن خانه نشانی به من آرید

یک گل کو اگر آن باغ بدیدند

یک گوهر جان کو اگر از بهر خدایید

اگر صورت بی صورت معشوق ببینید

هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما یید

مولانا می گوید اگر تو صورت بی صورت را ببینی، ذات حق خود تو هستی. می توانیم «صورت بی صورت» را به آبسترک رمانتی سیزم تعبیر کنیم؛ آبسترک رمانتی سیزم یعنی صورت بی صورت.

### تولد آبسترکت رمانتیسیزم

کارمان خاورانی در ادامه ی تحلیلی که از سبک آبسترک رمانتی سیزم به دست می دهد، به سرمنشأها می پردازد. او می گوید: «من از کودکی نقاشی می کردم. بعد هم معماری خواندم و معمار شدم. در کودکی بیشتر نقاشی کلاسیک می کشیدم و اگر کارهای مرا ببینید، وقتی ۱۴-۱۳ سالم بود، نقاشی رامبراند و داوینچی را کپی می کردم. بلد بودم نقاشی کنم. در حقیقت [نقاشی های من در آن زمان] رمانتی سیزم بود. یعنی قصه داشت، تصویر داشت، شکل و داستان داشت. ۱۱-۱۰ سال پیش که در کلاس های مولانا، حافظ، فردوسی، سقراط، افلاطون و نیچه را خواندم، یک باره به دنیای معنا وارد شدم. این در دل من غلغله ای به وجود آورد و فهمیدم معناهایی هست که شکل ندارند و آن قدر این موضوع در دل من قُل زد تا یک روز که شروع کردم به نقاشی کردن، بدون اینکه عاقلم برسد، چیزهایی کشیدم که نمی دانستم چیست. بعد پرفسور بوئیمی کارهای مرا دید و او برایشان نام گذاشت: «آبسترک رمانتی سیزم». یعنی صورت بی صورت.

کارمان خاورانی به آشنایی اش با آلبرت بوئیمی و پیشینه ی علمی او اشاره می کند و می گوید: «پرفسور آلبرت بوئیمی کسی است که این کتاب را درباره ی به کارهای من نوشت. او کسی ست که ۴۰ سال در دانشگاه کالیفرنیا UCLA تدریس می کرد. ۱۸ هزار شاگرد داشت. ۲۶ کتاب درباره تاریخ هنر نوشت، ۱۴ هزار صفحه، و همه ی کتاب هایش به عنوان کتاب های مرجع در سراسر دنیا تدریس می شود. اولین باری که خواستم نمایشگاه نقاشی بگذارم، از من پرسیدند سبک تو چیست؟ واقعاً نمی دانستم. بعد

فردی گفت چرا نمی‌روی از این پرفسور یو. سی. ال.ای بپرسی. وقتی آمد کارهایم را دید، گفتم به نظر شما سبک من چی هست؟ گفت من چنین چیزی ندیدم و باید روی آن مطالعه کنم. شب گشایش نمایشگاه همه‌ی شاگردان و دپارتمان بخش هنر دانشگاه یو. سی. ال.ای را دعوت کرد و سه روز بعد به من زنگ زد و گفت تبریک می‌گویم. تو سبکی به تاریخ نقاشی اضافه کرده‌ای.

کامران خاورانی با بوم نقاشی بدون واسطه ارتباط دارد و مستقیماً با انگشتانش نقاشی می‌کند. او درباره‌ی حذف قلم‌مو و نقاشی بدون واسطه روی بوم می‌گوید: «در حقیقت وقتی با دستم کار می‌کنم، آن احساس و عواطف و آن حالی که در وجود من است، مستقیماً از دل من روی بوم می‌رود. من با عشق مستقیماً در رابطه‌ام. یعنی عشق دل من، از وجود من، خودش، خودش را روی کاغذ می‌کشد. یعنی به چیزی نمی‌گویم که آن چیز برود و بکشد.

«می‌گویم فقط عاشق شوید. اگر عاشق هستی، نقاشی کن. اگر عاشق نیستی، مُردی. کسی که عشق در زندگی‌اش نباشد، مرده. بدون عشق من هیچی نبودم. وقتی مولانا را خواندم، به تدریج، قطره قطره این حقیقت نوی قلبم رفت که تو باید عاشق باشی. فقط عاشق‌ها دنیا را درست می‌کنند. عاشق، خردمند است. حافظ می‌گوید: «راه عشق از چه گذرگاه کمانداران است/ هر که دانسته رود صرفه ز اعداد برد». عاشق حقیقی آن کسی‌ست که با خرد کار کند، برای زندگی کار کند و نه برای من و یا ego خودش.»

من وقتی نقاشی می‌کردم نمی‌دانستم سبک و شیوه نقاشی‌ام چیست؟ در حقیقت اولین نمایشگاهی که در لس آنجلس برگزار کردم، بسیاری از دوستانم در مورد سبک نقاشی‌ام می‌پرسیدند. و من هر وقت می‌گفتم: والله نمی‌دانم! اما همگی به این نکته تاکید می‌کردند که سبک من شکل مخصوص به خود را دارد. تا این که یک روز یک نقاش آمریکایی به من پیشنهاد داد به جای اینکه به همه بگویم نمی‌دانم، به دانشگاه یوسی ال ای بروم و از گروه هنر آن دانشگاه بپرسم این سبک، به چه روش و شیوه‌ای نزدیک است؟ من پاسخ دادم، در آن دانشگاه دانشجو نبوده‌ام. هیچ کس را هم نمی‌شناسم. اصلاً آنجا درس نخوانده‌ام. حالا بروم آنجا بگویم چه کسی هستم؟ او گفت که پرفسوری را در رشته تاریخ هنر می‌شناسد که انسان خوبی است و شماره تلفنش را به من داد. من همان لحظه به آن پرفسور زنگ زدم. او خود را آلبرت بن معرفی کرد و با خوشرویی به من جواب داد. من هم گفتم که دارم نمایشگاهی برگزار می‌کنم و به کمک شما احتیاج دارم. پرسیدند محل نمایشگاه کجاست؟ وقتی

آدرس دادم به من گفتند که اتفاقا محل برگزاری نمایشگاه تا دانشگاه یوسی.ال.ای فقط پنج دقیقه فاصله دارد. من منتظر ایشان ماندم تا آمدند و وارد گالری شدند. جلوی یکی از تابلوها مدتی مکث کردند و از من پرسیدند اینها را چطور می کشی؟

من فکر کردم این سوال بیشتر شبیه این پرسش است که از مولانا پرسیدند این همه شعر را چطور گفته ای؟ و ایشان پاسخ دادند من این شعرها را نگفته ام. من فقط یک نی هستم، نی زن در من نواخت و این شعرها خلق شد.

شب افتتاح نمایشگاهم تقریبا تمام اساتید هنر دانشگاه یوسی.ال.ای را دعوت کرده بود. آنها دور هم جمع بودند و در باره نقاشی ها حرف می زدند. بعد از آن به من زنگ زد و گفت که تبریک می گویم. می دانید شما سبک جدیدی را به دنیای هنر وارد کرده اید؟

او گفت نقاش ها می توانند تکنیک خودشان را داشته باشند ولی هر نقاشی در حوزه سبک های موجود در دنیا نقاشی می کند و هر کسی سبکی تازه به وجود نمی آورد. من پرسیدم نام سبکم چیست؟ و او گفت نمی دانم. گفتم من مدام در پی این بودم که نام سبک کارم را بدانم. من که نقاشم نمی دانم شما هم نمی دانید، پس چه کسی می داند؟

او به من گفت من هم نمی دانم برای اینکه تا به حال چنین سبکی را نداشته ایم. بعد از آن اسمی به نظرم رسید که مناسب سبک کارم بود. به او زنگ زدم و آن را پیشنهاد کردم. او گفت اسم خوبی است. این نام را روی سبک نقاشی من گذاشت و در مورد آن مقاله ای نوشت.

آن مقاله به چاپ رسید و من متن آن را در طول مدت نمایشگاهم که یک ماهه بود به دیوار نصب کردم. همه هم می خواندند. تا اینکه یک دوست قدیمی به نام خانم شیرین پروین هبارد که در دانشگاه تهران با من هم دوره بودند و در اینجا نیز تاریخ هنر درس می دادند از من پرسیدند: کامران می دانی که نقاشی تو در یک متد و سبک جدید است؟

گفتم: می دانم. پرسید از کجا می دانم؟ من هم مقاله پرفسور آلبرت را به او نشان دادم. او به من گفت که این نام، یک نام صمیمی و مناسب کار تو نیست. من به پرفسور آلبرت زنگ زدم و نظر خانم پروین را گفتم. ایشان پذیرفتند که با این خانم ملاقاتی داشته باشند .

شبی هشت نفر دور هم جمع شدند که از این تعداد شش نفرشان دکترای هنر داشتند. خانم پروین برای پرفسور بن توضیح داد که چرا بهتر است اسم سبک کار من آبسترک رمانتیسیم باشد. پرفسور به من گفتند: این زن یک نابغه است. و همان جا از او خواهش کرد که نام سبک پیشنهادی اش را بنویسد .

بعد از آن مرا به دانشگاه یوسی.ال.ای دعوت کرد و به من گفت تو سبکی را در تاریخ هنر نقاشی به وجود آورده ای. اما دنیا نه تو را می شناسد نه سبک تو را. و اگر من در مورد کار تو کتابی ننویسم و تو را معرفی نکنم، دنیا از این سبک تو بی خبر خواهد ماند.

سه سال به طول انجامید تا او این کتاب را نگاشت و روز پس از معرفی کتاب بیمار شد و به بیمارستان رفت و یک هفته پس از آن درگذشت .

آبسترک به معنای مجرد و مجزا و رمانتیسیم هم به معنای رمان یا همان قصه و حکایت است. یعنی چیزی که از داستان و قصه صحبت می کند .

تا پیش از آن ، تمام سبک های موجود در تاریخ هنر نقاشی، قصه ای را نقل می کنند. تا اینکه در دوران اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سبک نقاشی آبستره به وجود آمد، این سبک قرار نبود قصه ای را روایت کند.

این سبک می گفت من قصه ای نمی گویم. تو هر جور می خواهی در موردم فکر کن. این سبک هم به معنای بدون معنا و در عین حال ، با معناست.

آن چیزی که شما می فرمایید به نوعی جمع اضداد است. یعنی هم هست و هم نیست. هم قصه گوست و هم قصه ای ندارد. شما این را چگونه معنا و تعریف می کنید؟

من به این غزل مولانا با مطلع «ای قوم به حج رفته کجا بید کجا بید! / معشوق همین جاست، بیایید بیایید.» اشاره می کنم تا بدان جایی که می گوید: «گر صورت بی صورت معشوق ببینید/ هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شما بید»، من سبک آبسترک رومانسیسم را به عنوان «صورت بی صورت» تعبیر می کنم.

با این سبک «صورت بی صورت» شما تابلوهای بسیار زیبایی آفریده اید. تابلوهایی که در عین حال که هر کدام قصه ای دارند اما باز هم بازگو کننده هیچ قصه ای نیستند. من آن تابلو را به نوعی می بینم که شما که خلاق آن هستید به نوعی دیگر می بینید. با این قصه بی قصه چه می کنید؟ چه می خواهید روایت کنید؟

ببینید. هر مکتبی راه رستگاری را به منظر و دید خودش نشان می دهد. هر کدام از آنها معتقدند که راه خودشان درست است. هر کسی سبک خودش را درست می داند. در نهایت وقتی هر کسی سبک خودش را درست تلقی می کند این روش ها باید برای حقانیت خود بجنگند .

ولی مولانا از «صورت بی صورت» صحبت می کند. از راه راست می گوید. ممکن است من بگویم راه من درست است. تو هم بگویی راه من درست است . اما او می گوید که راه درست، راه حقیقت است. سبک آبسترک رمانسیسم نیز بدون اینکه اصرار کند فقط راهی که من پیشنهاد می کنم درست است، می گوید راهی هست. اما خودت آن را پیدا کن .درست مانند داستان مولانا، زمانی که با شمس تبریزی دیدار کرده بود و بر سر منبر حاضر نمی شد، مردانش اصرار می کردند که به منبر بازگردد تا از فیض او بهره مند شوند. مولانا به منبر رفت. اما وعظ نکرد. سماع کرد و گفت من برای شما قصه نمی گویم. می رقصم. شما هم بروید رقص خودتان را پیدا کنید.

این داستان عجیبی است. من هم وقتی نقاشی می کنم حرف نمی زنم. به فارسی یا به عربی یا به انگلیسی قصه نمی گویم. پیامم را می دهم به زبانی که هر که نگاه کند آن پیام را دریافت می کند. بدون آنکه من به ماهیت آن پیام اصرار کرده باشم .

وقتی شما می خواهید عشق را نشان بدهید لزومی ندارد حتما به زبان فارسی بگویید که عشق چطور است. حتی یک هندو و یک چینی هم عشق را درک می کند. عشق به زبان یا مکان یا خاک تعلق ندارد.

از فحوای کلام شما دریافتم که ارادت ویژه ایی به عارفان و اندیشمندان و سخنوران زبان و ادب پارسی دارید. آیا شما با مطالعه آثار این بزرگان به این شیوه دست یافتید یا اینکه ناخودآگاه به این سبک رسیدید؟

قبل از اینکه با مولانا، حافظ و فردوسی آشنا بشوم از کودکی نقاشی می کردم و بعد از آن نیز آرشیتکت شدم. دست و قلمی قوی داشتم. ولی عقل حاکم بر زندگی من بود. می دانید کسی که آرشیتکت است ، با اندازه و حجم و اعداد و ارقام و قانون و ضوابط آشناست .

ده سال پیش بود که مطالعه آثار عرفا و سخنوران به ویژه این سه تن را آغاز کردم. و با مفاهیم عرفانی فرهنگ ایرانی آشنا شدم. این آشنایی آن قدر در درونم ذوق ایجاد کرد که آن ذوق منشاء یادگیری ام شد. حالا دریافتم که آنچه تا کنون آموخته ام، فقط به درد خودم می خورد و حالا باید به عالم پنهان سفر کنم.

تصویر کاور کتابی که راجع به سبک نقاشی من نوشته شده است، تصویری است که وقتی آن را کشیدم و به دقت به آن نگاه کردم مفهوم این دو بیتی فردوسی برایم تداعی شد:

تو را از هر دو گیتی برآورده اند/ به چندین میانجی بهرورده اند

نخستین فطرت، پسین شمار/ تویی، خویشان را به بازی مدار

این شعر به انسان می گوید تو از دو دنیای پنهان و آشکاری، دنیای آشکار همین تن جسمانی ماست که تمام این حواس پنچگانه که عقل بر اساس آنها عمل می کند به این دنیا تعلق دارد.

اما ما در یک دنیای پنهان هم ریشه داریم. دنیایی که می توانید به نام جان، روان، یا معشوق بشناسید. ما ترکیب این دو عالمیم .

تصور کنید تمام مکاتب هستی قصه ای دارند که می گویند «قصه من درست است»، در همین زمینه حافظ می فرماید :

جنگ هفتاد و دو ملت همه رو عذر بنه / چون ندیدند حقیقت، ره افسانه زند

هر مکتبی که کتابی دارد می گوید راه من درست است. مولانا و حافظ در این مسیر دل مرا روشن کردند که به من بیاموزانند هر راهی که کسی به من اصرارش می کند به درد خودش می خورد. من باید راه راست را بروم. چون راه درست به نفع یکی هست و به نفع دیگری نیست. اما راه راست راه درستی است.

خواست من در نقاشی هایم این است که خدمتگزار زندگی باشم. با همان کاری که بدم ، باید این کار را انجام بدهم. و آن قدر دلم این را می خواهد که به جز آن کار دیگری نمی توانم انجام بدهم.



کامران خاورانی در حال اهدای تابلو پرنده آزادی به کتابخانه کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۰



مصاحبه با پروفیسور آلبرت بویم (Albert Boime) یکی از مشهورترین پژوهشگران تاریخ اجتماعی هنر معاصر درباره رمانتیسیزم انتزاعی



بویم پس از سی سال تدریس در دانشگاه UCLA در ۱۸ اکتبر امسال به دنبال یک بیماری طولانی درگذشت.

این مصاحبه که یک هفته پیش از درگذشتش توسط نشریه UCLA Today انجام شده، آخرین گفتگوی رسمی اوست که در آن از کشف بیسابقه یافتن سبک جدید Abstract Romanticism سخن می گوید.

در طول زندگی پر بارش، پروفسور بویم ۲۶ جلد کتاب و بیش از ۱۰۰ مقاله نوشته که در آنها بیشتر به هنر اروپایی قرن نوزدهم پرداخته است. پنج سال پیش کامران خاورانی و هنرش را کشف کرد، هنرمندی که بیشترین آثارش را با الهام از مفاهیم اشعار عاشقانه شاعر قرن سیزدهم جلال‌الدین رومی خلق کرده است. پیامد این کشف آخرین کتاب Boime نام:

## The Birth of Abstract Romanticism

### Art for a New Humanity Rumi and the Paintings of Kamran Khavarani"

است که حکایت تحول هنر کامران خاورانی و تولد این سبک جدید هنری است.

متن مصاحبه نشریه UCLA Today با پروفسور آلبرت بویم: (Albert Boime)

#### Abstract Romanticism - چیست؟

Romanticism معانی بیشماری برای افراد مختلف دارد. برای من کوششی است از سوی هنرمندان برای ایجاد یک تغییر اساسی که در نهایت به نیروی الهامی می‌انجامد که موجب دگرگونی نگرش کنونی دیگران نسبت به جهان می‌شود.

-چرا بر این سبک romanticism نام "Abstract" گذاشته شده است؟

اینهم لغت دیگر نیست که معانی زیادی دارد. هنگامی که به کار خاورانی نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید هنوز پایان نیافته و مبهم است. ولی همزمان با این ابهام در عمق کار چیزی هست که می‌توان آنرا لمس کرد و به آن باور داشت. بسیاری از نقاشی‌های او شرایط کلاسیک را نشان می‌دهند: دریا، آسمان، آتشفشان. ولی عجیب آنکه این Abstract برخلاف انتظار پیامی کاملاً روشن در خود دارد.

-چگونه کامران خاورانی و هنر او را کشف کردید؟

خیلی عادی. ما یک دوست مشترک داریم. کامران در Westwood Village ، در خیابان Glendon نمایشگاهی داشت. این دوست از من خواست به اتفاق به دیدن این نمایشگاه برویم که چنین کردیم و من عاشق کار او شدم.

-بیشترین کتابهای شما درباره هنرمندان شناخته شده بین‌المللی یا یک دوره خاص هنری است. چه شد که این بار تصمیم گرفتید درباره یک هنرمند ناشناس بنویسید؟

پرداختن به یک هنرمند زنده و معاصر در روال کاری من یک استثناست. ولی کشف خاورانی برایم یک چالش شد و در پی آن درگیری با او جذابترش کرد بویژه اینکه این هنرمند منعکس‌کننده پیام انسانی رومی در آثار خویش بود.

-پیش از خاورانی تا چه حد با نگرش رومی آشنایی داشتید؟

تا آن زمان هرگز نام رومی را نشنیده بودم، ولی پس از گام نهادن در راهی که این کشف در مقابلم گشود، پیام و جهان‌بینی رومی را دریافتم.

-چگونه خود را برای نوشتن این کتاب آماده کردید؟

کامران برای شناخت رومی زیر دست آموزگاری آگاه بنام امیر شاهپرکی آموزش دیده است. من با شاهپرکی بسیار گفتگو کردم و درباره رومی بسیار اندیشیدم. آنچه از او آموختم اینکه باید رومی را از دیگر مکاتب فکری جدا دانست. به عنوان مثال او را با صوفیگری که بخش عرفانی اسلام است یکی میدانند. ولی نگرش رومی به زندگی و پیامش بسی گسترده‌تر از این است. مهمترین بخش تفکر رومی رسانیدن انسان به این باور است که دارای قدرت خدایی است و آنرا در سرانگشتان خویش دارد.

-کتاب از طرحهای سیاه و سفید اولیه خاورانی شروع می‌شود و با کارهای تازه و impressionist او پایان می‌یابد. آیا گونه‌ای آگاهی کلی در مجموعه کارهای هنری او دیده می‌شود؟

هر ایرانی باید از جهان بینی رومی آگاه باشد که در واقع بخشی از فرهنگ کهن آن سرزمین است. من بر این باورم که کامران همیشه این آگاهی را داشته است چنانکه برخی از کارهای او قبل از شناخت رومی خلق شده‌اند، ولی رد پای این جهان‌بینی در آن آثار هم دیده می‌شود .

-آیا دلیل دیگری برای نوشتن این کتاب داشتید یا فقط میخواستید کاری متفاوت ارائه داده باشید؟

در گذشته من بیشتر روی هنر قرن نوزدهم اروپایی کار کرده بودم. اما این بار برایم بسیار مهم بود که از منظرگاهی تازه به رویدادهای تاریخی و فرهنگی بنگرم. چالش اصلی من درک جهان بینی رومی از زندگی بود .

-آیا هنرمندان دیگری هم به سبک Abstract Romanticism نقاشی می‌کنند؟

فکر می‌کنم احتمالاً کسانی به این سبک نزدیک شده باشند، ولی Abstract Romanticism هم اکنون یک جنبش تک‌نفره توسط کامران است.

-می‌خواهید در آینده شما را چگونه به یاد آورند؟

شکل دهندهٔ وجدان انسانی .



منتخبی از آثار

کامران خاورانی



















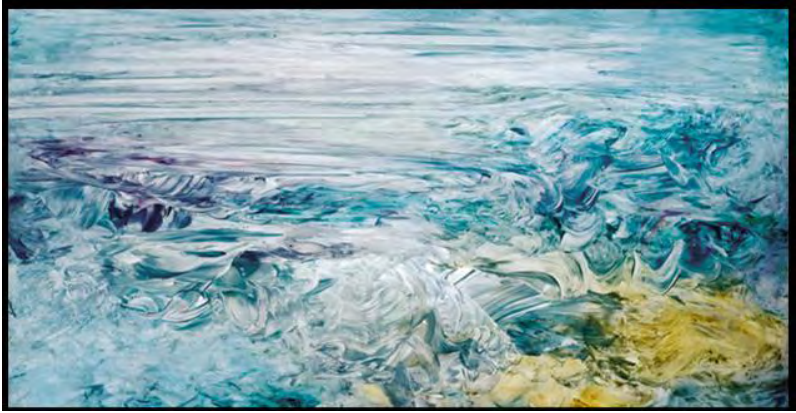






























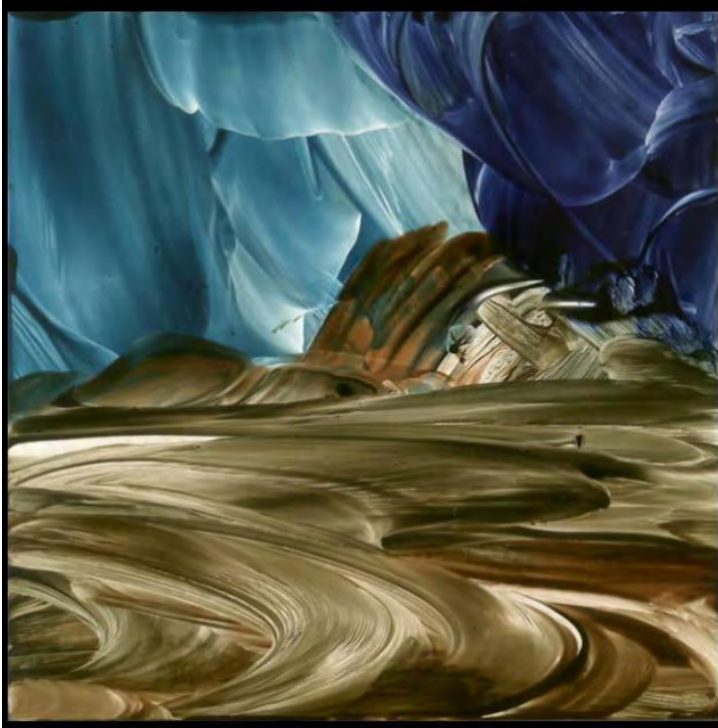


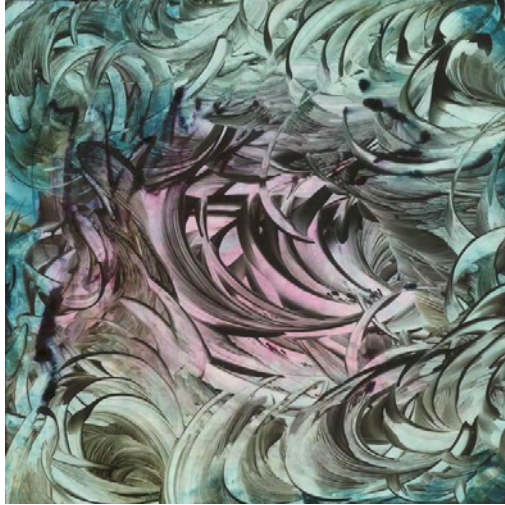
























**The Birth of Abstract Romanticism**  
**Art for a New Humanity, Rumi and the Paintings of Kamran Khavarani**

Albert Boime

ISBN: 978-0-9816739-2-9

A radical departure from Professor Albert Boime's well-known social art history, "The Birth of Abstract Romanticism" examines the paintings of Kamran Khavarani. In this beautiful volume, Boime delves into the beauty, passion and intensity of Khavarani's work, expressed in layered themes of landscapes, cosmologies, botanical microworlds, and ecstatic visions. Lavished with over 100 images, this book offers a unique view of both an artist and a celebrated art historian. In a letter to his fellow art historians Professor Boime writes: "In the world of painterly art, a new movement is usually introduced by a group of artists working in a similar style and eventually one or more of those artists becoming known as the



frontrunner(s) of that style. It is ironic, however, that at this point in time a newcomer to the art community would be bringing mystical messages to the world through a new technique and a unique style. Kamran Khavarani is the only artist creating paintings in the style of Abstract Romanticism.” Exalted by the love poems of the 13th-century Persian poet Jalaluddin Rumi (1207-73), Kamran Khavarani seeks to translate his ecstatic feelings into visual harmonies that celebrate the idea of “Presence,” the loving, creative side of existence. Khavarani brings an entirely fresh perspective to the ecstatic, blissful texts, inspiring contemplation and a realization of a higher selfhood befitting a new consciousness for a new humanity. Rumi’s influence has been steadily growing in our modern world, and Khavarani’s timely work interprets the poet in a visual and universal approach to the human condition. Rumi’s poetry flows through Khavarani’s paintings, free of preconceived notions and academic influences. It remains to be seen how Khavarani’s painting will influence the history of art. Certainly his work goes against the grain of most international contemporary art and may offer an alternative to it. Professor Boime has taught Social Art History for the past 40 years and is the author of 26 books and over 120 published articles. Among his books is the 6-volume Social History of Modern Art, with over 4,500 pages

### **About the Author**

Albert Boime holds a B.A. degree from UCLA, an M.A. degree and a Ph.D. from Columbia University. Albert Boime is professor of Art History at the University of California, Los Angeles and recipient of numerous fellowships and awards, including The Myers Center Award for The Study of Human Rights in North America in 1999. He is the author of 26 books and over 100 articles.



کامران خاورانی، نقاش و آرشیتکت ایرانی مقیم کالیفرنیا، سبک نوینی در هنر نقاشی پدید آورده که آلبرت بوئیمی، استاد پیشین تاریخ هنر در دانشگاه لس آنجلس، با پیشینهٔ چهل سال تدریس و انتشار چندین کتاب و مقاله در زمینهٔ تاریخ هنر، آن را «آبسترکت رومانتیسم» نام داده و گفته است که هنر خاورانی، خلق تابلوهایی است که بیننده، حتی عناصر اصلی سوژه های ناتمام او را می تواند لمس و باور کند.

